

«میزان‌الحراره» ۱۶ آذر

این روز همچنین در خاطره دانشگاه‌ها خوندنمایی کرده و نسل‌به‌نسل منتقل شده و خواهد شد. نکته مهم و قابل توجهی که نگارنده در طول ۴۰سال گذشته به‌طورمستقیم در این روز بزرگ شاهد بوده و به خاطر دارم این است که ۱۶آذرماه همواره شاخص یا میزان‌الحراره دقیق و واقعی از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور و دولت بوده و بسیاری از حقیقت‌های پیدا و پنهان و نمادهای سیاسی در این روز، به صورت واقعی ارزیابی می‌شوند؛به‌عنوان مثال وقتی در دوران رژیم پهلوی در روز ۱۶آذر، ما که دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران بودیم و دوستی مانند شهید «رحمان دامن‌ا» که دانشجوی فنی دانشگاه تهران بود، با هماهنگی هم، در دو دانشکده به اعتراض و تظاهرات پرداختیم، در عرض چند دقیقه‌با هجوم و سر کوب نیروهای گارد دانشگاه مواجه شدیم که نشانگر و شاخصی دقیق از شرایط دیکتاتوری و سر کوب رژیم شاه بود. در منظری دیگر وقتی حضور هرساله و هشت‌ساله متوالی رئیس‌جمهور جناب آقای خاتمی در روزهای ۱۶آذر در دانشگاه را مشاهده می‌کردیم که به گفت‌وگو با دانشجویان می‌پرداخت و خود را در معرض انتقادات و اعتراضات دانشجویی قرار می‌داد، شاخص و «میزان‌الحراره» خوبی از درجه احترام ایشان به دانشگاه، دانشجو و نقدپذیری ایشان بود و در طرف مقابل، عدم‌حضور و وا همه و بی‌توجهی افراد دیگر، نشانه میزان صحت ادعاهای پرمطراق آنان بوده است.

در معیاری دیگر، نوع نگرش مسوولان دانشگاه به مراسم-ایمن روز و برگزاری مراسم-به صورتی واقعی و طبیعی و توسط خود دانشجویان در مقابل برگزاری مصنوعی و هدایت‌شده آن، شاخص و دماسنجی از صداقت و اعتماد متقابل مسوولان و دانشجویان است. با توجه به معیارهای یاد شده و بسیاری از شاخص‌های دیگر که در طول سالیان گذشته و تجربه‌های طولانی دانشگاه حاصل شده و در این مقال نمی‌گنجد، روز ۱۶آذر، میزان‌الحرارای دقیق و واقعی از شرایط عمومی و سیاست‌های کلی حاکم بر دولتها و میزان ادعاهای افراد و مسوولان مختلف است.

دانش و منش ماندگار معتمدن‌زاد

وقار، طمانینه، آرامش و راستی که در چهره او می‌موج می‌زد، از او شخصیتی دوست‌داشتنی در انهمان مخاطبیان، یاران و همراهانش ترسیم می‌کرد. کمتر کسی بود که حتی در حد یک جلسه، همنشینی با او را تجربه کند و شیفته اخلاق و ادب او نشود. امروز، با کمال تأسف، معتمدن‌زاد را در میان خود نداریم و پرکردن جای خالی او، به سادگی امکان‌پذیر نیست، اما می‌توانیم خرسند باشیم، دانش و منش او همچنان ماندگار و راهنمای سودمند ما در توسعه صلح و دوستی است. روایت شاد و یادش گرامی باد.

سلطانی که بنده شد

در جنگ احد که پیامبر اسلام از قاتلان حمزه خشمناک شدد و بدن مثله‌شده او را دید، در فکر انتقام شدید برآمد، خداوند با نزول آیهای فرمود: وان عاقبتهم فعاقیبوا بمثل ما عوقبتهم به ولئن صبرتم لهو خیرالصابرين (نحل ۱۲۶)، اگر در مقام مجازات برآمدی باید به مقدار جرم آنان باشد و اگر صبر کنید (و انتقام نگیرید) بهتر است و خدا بهترین صابران است.

نلسون ماندلا می‌تواند الگویی برای سیاستمداران جهان باشد، چون بر این باور بود که انتقام از مخالفان و هر چیزی را که با تبع تخاصم پاسخ‌گفتن، راه سیاست‌ورزی نیست و امروزه سفیدپوستانی که در آن کشور آپارتاید، سیاهپوستان را محروم از هر حقوق انسانی‌ای می‌دانند، در برابر روح ماندلا شرمسار هستند، چرا که اخلاق درست و انسانی، از هرکس که باشد، آدم‌ها را به خود می‌کشاند.

سخن برسر این نیست که ماندلا چه آیینی داشت، به قول حافظ:

گرچه مهربویان مجلس دل می‌برندودین / بحث ما در طبع لطف و خوبی اخلاق بود. آیین او اخلاق او بود که در مقام رهبری در این قاره سیاه قلب سفیدی داشت و دشمنان خود را در صف دوستدانش قرار داد و امروز سفیدپوستان دنیا نیز در مرگ او به سوگ نشستند، همچنان که ملت آمریکا سخنرانی تاریخی مارتین لوتر کینگ را هر سال گرامی می‌دارند. راستی اگر کسانی که راه اثبات حقانیت خود را از طریق خشم و خشونت و درنهایت جنگ و آدم‌کشی می‌جویند، و همواره با یا نیش قلم یا از راه انتحار و انفجار می‌خواهند رقیب خود را به‌در کنند، منطق رهبران صلح را دنبال می‌کردند جهان از این بهتر نمی‌بود؟ آیا نلسون ماندلا به تعلیم انبیا و به‌ویژه پیامبر اسلام(ص)، که می‌فرمود «والصلح خیر» نزدیک‌تر است، یا کسانی که با شعار اسلام، جنگ‌های فرقه‌ای را دامن می‌زنند، در مقام تکثیر دیگران برمی‌آیند و نجات خود را در حبس و کشتار دیگران می‌جویند؟ به قول فردوسی بزرگ:

زبان کسان از پی سود خویش / بجویند و دین اندر آرند پیش سزاور است که از طرف جمهوری اسلامی ایران هیاتی به‌عنوان هیات صلح به سرپرستی حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمد خاتمی در مراسم خاکسپاری این سیاستمدار صلح‌جو شرکت کنند و همدردی خود را با ملت آفریقا ابراز سازند.

شرق: پدر عصبانی که بعد از قهر همسرش دختر هشت‌ماهه خود را به قتل رسانده است به‌زودی در دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه می‌رود. به گزارش خبرنگار ما، این مرد که مه‌ران نام دارد بهمن سال گذشته در پی قهر همسرش، دخترش به نام هستی را در وان حمام خفه کرد.

پلیس وقتی در جریان این قتل قرار گرفت که مسوولان حراست یکی از بیمارستان‌های غرب تهران گزارش دادند دخترچهاره هشت‌ماهه‌ای که به‌دلیل افتادن داخل وان و خفگی به بیمارستان آورده شده بود جان خود را از دست داده است، وقتی مأموران به محل رسیدند متوجه شدند هستی توسط مادربزرگ و پدرش به بیمارستان آورده شده است. پرستاران به پلیس گفتند پدر هستی مدعی شده دخترش در وان حمام افتاده و او دیر متوجه این اتفاق شده است. جسد هستی به پزشکی‌قانونی منتقل شد تا متخصصان درباره علت دقیق مرگ اظهارنظر کنند. وقتی جسد هستی مورد بررسی قرار گرفت آثار برجامانده روی بدن هستی نشان داد و او را به‌زور در آب نگه داشته‌اند به همین دلیل مادربزرگ هستی که او را به بیمارستان رسانده بود مورد بازجویی پلیس قرار گرفت. او گفت: «من نمی‌دانم

چه اتفاقی برای نوهام افتاده است. پسرم مه‌ران طبقه بالای خانه من زندگی می‌کرد. او روز حادثه مرد صدا کرد و گفت دخترش داخل وان حمام افتاده است و از من خواست کمکش کنم. من هم کمک‌های اولیه بلد بودم سعی کردم تنفس مصنوعی به او بدهم اما دیدم وضعیتش خیلی وخیم است و بلافاصله او را بغل کردم و به بیمارستان رساندم.»

وقتی مه‌ران مورد بازجویی قرار گرفت گفت: «قصدی برای کشتن دخترم نداشتم. او جایش را کثیف کرده بود. او را به حمام بردم تا بشویم اما نمی‌دانم چه شد که سرم گیج رفت و حالم بد شد به خودم که آمدم دیدم دخترم غرق شده است. خیلی ناراحت شدم نمی‌دانستم باید چه کنم مادرم را خبر کردم. او هم گفت باید بچه را به بیمارستان ببریم.»

هرچند مه‌ران قتل دخترش را انکار می‌کرد اما آثار برجامانده روی بدن این کودک و نبود مادرش نشان می‌داد درگیری‌ای میان مه‌ران و همسرش نیلوفر اتفاق افتاده است. این فرضیه پلیس با شکایت نیلوفر و توضیحات او ثابت شد.

این زن گفت: «من دو سال قبل با مه‌ران ازدواج کردم. او در خانه مادرش زندگی می‌کرد و یک پسر

حوادث

پدر، متهم به قتل دختر ۸‌ماهه

متهم مدعی است ناخواسته باعث مرگ فرزندش شد

داشت. قبول کردم از آن بچه هم مراقبت کنم. همه چیز خیلی خوب بود. من هم با پسرشوهرم رابطه خوبی داشتم. مه‌ران می‌گفت مادر فرزندش را به‌خاطر اختلافاتی که داشتند طلاق داده است اما بعد از مدتی فهمیدم آن زن مقصر نبوده و این مادر مه‌ران است که مدام می‌خواهد در زندگی بچمایش دخالت کند. دخالت‌های او زندگی من را هم تحت‌تاثیر قرار داد و بیچاره‌ام کرد. تولد هستی به جای اینکه زندگی‌مان را بهتر کند بدتر کرد. مادرشوهرم مرتب مه‌ران را تحریک می‌کرد و می‌گفت از وقتی هستی به‌دنیا آمده زنت دیگر به پسرت رسیدگی نمی‌کند. این موضوع وضعیت بدی را برای من درست کرده بود. روز حادثه من که خیلی از دست شوهرم ناراحت بودم از خانه قهر کردم و رفتم و به او گفتم دیگر بر نمی‌گردم. گفتم نمی‌توانم این وضعیت را تحمل کنم و می‌خواهم طلاق بگیرم. هستی را هم پیش پدرش گذاشتم. مه‌ران می‌خواست با نگه‌داشتن هستی من را هم وادار به ماندن کند من هم وقتی منظورش را فهمیدم بچه را رها کردم به این امید که پشیمان شود و بچه را بدهد اما مه‌ران او را خفه کرد. من هم از شوهرم به دلیل کاری که کرده است شکایت دارم.» وقتی اختلاف میان مه‌ران و همسرش فاش شد،

مرد جوان هرچند یکبار دیگر قتل عمدی دخترش را رد کرد اما جزئیات بیشتری از حادثه را توضیح داد. او گفت: وقتی نیلوفر قهر کرد و رفت من ماندم و دو بچه. هستی خیلی کوچک بود و نمی‌توانستم از او مراقبت کنم. روز حادثه دو قرص آرامبخش خورده بودم و حالت منگی داشتم. هستی شروع به گریه کرد. من هم خیلی حالم بد شد متوجه شدم دخترم جایش را کثیف کرده است. او را به حمام بردم و داخل وانی که همسرم همیشه می‌گذاشت گذاشتم تا مثل همسرم او را بشویم. همسرم همیشه این کار را می‌کرد و هستی هم سروصدا نمی‌کرد اما نمی‌دانم چرا این‌بار گریه‌های هستی قطع نمی‌شد یکدفعه حالت گیجی به من دست داد انکار وارد عالمی دیگر شده بودم. وقتی به خودم آمدم دیدم دخترم دیگر نفس نمی‌کشد. من او را دوست داشتم و نمی‌خواستم بکشمش. اصلا هم یادم نمی‌آید چه شد که او در آب خفه شد.

مه‌ران با توجه به شکایات مادر هستی بازداشت و بعد از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست به اتهام قتل عمدی، پرونده به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری‌استان تهران فرستاده شد و مه‌ران به‌زودی به اتهام قتل دختر هشت‌ماهه‌اش محاکمه می‌شود.

بخشش مردی که همسر مادرش را کشت

موضوع میان آن دو اختلاف به وجود آمد تا اینکه روز حادثه احمد، کریم را سوار بر خودرواش دید و با وی درگیر شد. پسرم به سرعت داخل خانه آمد، قاقویی برداشت و با آن کریم را زد. بعد از این‌اتفاق در حالی‌که به شدت ترسیده بودیم کریم را داخل خانه آوردیم، زخم‌هایش را شستیم، او را دوباره سوار خودرواش چند خیابان آن طرف‌تر رها کردیم. او تا آن زمان زنده بود و فکر می‌کردیم مردم کمکش می‌کنند و او را به بیمارستان می‌رسانند.»
ترکس همچنین گفت: «من فکر می‌کنم ادعای پسرم درباره اینکه کریم می‌خواست او و دخترش را زیر بگیرد دروغ است. او از اینکه ما ازدواج موقت کرده بودیم، ناراحت بود و به همین دلیل هم از کریم انتقام گرفت.»
کارآگاهان بعد از شنیدن اعترافات این زن، پسر او را بازداشت کردند. احمد در بازجویی‌ها به قتل اقرار کرد و گفت: «چند روز قبل از قتل با دخترم در حال عبور از خیابان بودیم که خودرو پرایدی به سمت‌مان آمد و می‌خواست دخترم را زیر بگیرد. راننده حتی توقف نکرد تا عذرخواهی کند، او چند متر جلوتر نگه داشت و دیدم مادرم را سوار کرد. بعد از آن فهمیدم مادرم با آن مرد ازدواج موقت کرده است. رفتار کریم باعث شده بود از او کینه به دل بگیرم و در نهایت هم با چاقو او را زدم، البته قصد قتل نداشتم فقط می‌خواستم زخمی‌اش کنم.»

متهم ادامه داد: «بعد از وارد کردن ضربات تصمیم گرفتم کریم را به بیمارستان برسانم اما مادرم گفت پلیس بازداشت‌م می‌کند. او پیشنهاد داد کریم را داخل خانه ببریم، زخم‌هایش را تمیز و او را در خیابان رها کنیم.» پرونده این قتل بعد از طی مراحل مقدماتی به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده و متهم محاکمه شد. هیات قضات این مرد را با توجه به خواسته اولیای دم مقتول به قصاص محکوم کردند و حکم صادره به تأیید قضات دیوانعالی کشور نیز رسید. اولیای دم مقتول در حالی‌که احمد‌با مرگ فاصله زیادی نداشت با مراجعه به دادسرای جنایی بدون هیچ شرطی اعلام گذشت کردند و به این ترتیب مرد جوان بار دیگر به زندگی بازگشت.

پس از اینکه از مرگ رعنا مطمئن شدیم به‌سرعت از آن محل فرار کردیم.»

متهمان در ادامه تحقیقات به بازسازی صحنه جنایت پرداختند و پرونده برای برگزاری جلسه محاکمه آماده شد اما پیش از آن والدین رعنا با مراجعه به دادسرا اعلام کردند هیچ شکایتی از متهمان ندارند و از آنها گذشت می‌کنند.

به این ترتیب متهمان به دلیل جنبه عمومی جرم‌شان پای میز محاکمه رفتند. نماینده دادستان در جلسه دادگاه مجازات متهمان را خواستار شد و سپس متهم اصلی با قرار گرفتن در جایگاه یکبار دیگر به قتل اقرار کرد و گفت: «رعنا دچار فساد اخلاقی شده بود. آبروی خانواده را در خطر می‌دیدم به همین دلیل تصمیم گرفتم با کشتن او این مشکل را برطرف کنم.» دو متهم دیگر نیز در ادامه جلسه از خود دفاع کردند و سپس هیات قضات با اعلام ختم جلسه برای صدور رای وارد شور شدند.



یک‌شنبه

است. بعد از آن ما به عقد موقت هم درآمدیم و با هم زندگی می‌کردیم. هر چه پول درمی‌آوردیم مواد مخدر می‌خریدیم و کسی هم نبود که به این شیوه زندگی ما اعتراض کند تا اینکه پسرم از ماجرا باخبر شد.» این زن ادامه داد: «چند روز قبل از حادثه پسرم احمد نزد من آمد و گفت کریم قصد داشت با خودرو، او و دخترش را زیر بگیرد. به خاطر همین

توطئه خانوادگی برای قتل دختر جوان

متهمان در انتظار حکم دادگاه هستند

قبل متوجه شده بودم خاله‌ام از نظر اخلاقی دچار مشکل شده است و با مردی رابطه دارد. این موضوع برایم خیلی ناراحت‌کننده بود. از طرفی او رفتارهایش را اصلاح نمی‌کرد، دیگر نمی‌توانستم چنین موضوعی را تحمل کنم به همین دلیل ماجرا را برای دایی و برادرم تعریف کردم و بالاخره قرار شد رعنا را به قتل برسانیم.»
برادر این متهم نیز توضیح داد: «وقتی برادرم ماجرا را برای من تعریف کرد قبول کردم برای حفظ آبروی خانواده در قتل رعنا کمک کنم. ما روز حادثه او را به بهانه‌ای سوار خودرو کردیم و به منطقه‌ای خارج از شهر ببریم بعد در حالی‌که ماشین با سرعت زیادی در حرکت بود برادرم او را از خودرو به بیرون پرتاب کرد.



شرق: شعله‌های سرکش آتشی که از طبقه‌دوم ساختمانی مسکونی در منطقه تهرانپارس زبانه می‌کشید، باعث مرگ صاحبخانه بیمار شد. متوفی به دلیل بیماری از ضعف شدید جسمانی رنج می‌برد و هنگام بروز آتش‌سوزی نتوانست محل حادثه را ترک کند و در میان شعله‌های آتش گرفتار شد. آتش‌نشانان در حال بررسی علت وقوع این حریق هستند.

رخداد

خودکشی پسر نوجوان پس از اخراج از مدرسه

● **مه‌ر:** دانش‌آموز ۱۴ساله‌ای در شیراز پس از اخراج از مدرسه خودکشی کرد. پسر ۱۴ساله‌ای در شیراز پس از اخراج از مدرسه به دلیل همراه‌داشتن تلفن همراه خود را حلق‌آویز کرد. براساس ادعاهای والدین این دانش‌آموز وی یک‌روز بعد از اخراج به همراه پدرش به مدرسه رفت اما مدیر مدرسه از پذیرش او امتناع کرد و روز دوم که خودش به تنهایی به مدرسه رفته بود مسوولان مدرسه وی را انپذیرفتند. این دانش‌آموز پس از مراجعه به منزل‌شان در حالی‌که تنها بود خود را حلق‌آویز کرد و به زندگی خود پایان داد. پرونده این خودکشی در دادسرای جنایی شیراز تشکیل شده است و در مراحل تحقیقات ابتدای قرار دارد.

مرگ ۵ معلم در تصادف

● **ایرنا:**مدیر روابط عمومی مرکز فوریت‌های پزشکی استان چهارمحال و بختیاری گفت: بر اثر سانحه تصادف در محور ارتباطی اردگان به بروجن، پنج معلم جان خود را از دست دادند.
امیر معتمدی افزود: قبل‌ازظهر دیروز، خودرو پژو در محور ارتباطی بروجن به لردگان، نرسیده به خانم‌یزا با یک مینی‌بوس هینودای تصادف کرد که بر اثر آن، چهارنرسنشین در دم جان باختند.وی ادامه داد: یکفر از نرسنشینان پژونیز با کمک پرسنل اورژانس به بیمارستان شهدای لردگان منتقل شد ولی به دلیل شدت جراحات، جان خود را از دست داد.

مرگ شرور مسلح در تعقیب پلیسی

● **پلیس‌خبر:** فرمانده انتظامی استان کرمان از کشف ۸۴۹کیلوگرم موادمخدر و مرگ شرور مسلح در جنوب این استان خبر داد.
سردار حسین چناریان گفت: پلیس کرمان پس از ماه‌ها کار اطلاعاتی بلند تهیه و توزیع موادمخدر با شناسایی کرد و واحدهای عملیاتی دستگیری اعضای این باند را در دستور کار خود قرار دادند. وی افزود: مأموران ضمن کنترل تحرکات این باند قاچاق مسلحانه، پس از اطمینان از باگیری و حمل مواد توسط این باند مسیرهای احتمالی تردد قاچاقچیان را تحت کنترل قرار دادند. چناریان گفت: قاچاقچیان با عبور از مناطق صعب‌العبور و کوبری اطراف شهرستان رودبار در جنوب استان کرمان قصد انتقال محموله مواد افیونی را داشتند اما در کمین مأموران انتظامی گرفتار شدند و بدون توجه به دستور توقف پلیس، با تیراندازی افزون بر سرعت خود قصدفرار داشتند که باعکس‌العمل مأموران و در درگیری چندساعته متوقف شدند.

سرق با اغفال دختران دبیرستانی

● **باشگاه‌خبرنگاران:** دختری که فریب پسری را خورده بود، پس از چندین روز سکوت خود را شکست و از نقشه پسر جوان برده برداشت. چند روز قبل سرت از منزلی به کلاترزی نواب اعلام شد و مأموران برای بررسی موضوع به خانه مورد نظر رفتند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد تمامی طلاجات و زیورآلاتی که در اتاق خواب از آنان نگهداری می‌شد، روده شده است. با توجه به نبود هرگونه آثار تخریبی روی در خانه و وسایل دیگر، پلیس به اعضای خانواده و اطرافیان مالیاخته مشکوک شد و تحقیقات را آنان آغاز کرد. پس از چند روز تحقیق نوبت به دختر خالواده که ازینا نام دارد، رسید. ازینا که دختری ۱۵ساله است با صحبت‌های ضد و نقیض خود ظن مأموران را بیشتر کرد و سرانجام پس از چندین روز سکوت، ماجرای سرت را شرح داد. او گفت: «چندماه پیش در راه بازگشت از مدرسه به خانه با پسری به نام محسن آشنا شدم و پس از هفته‌ها دوستی محسن به من گفت به‌شدت به پول احتیاج دارد و موضوع مرگ و زندگی در میان است. من که حرفش را باور کرده بودم طلاهای مادرم را وقتی او در آشپزخانه در حال پخت و پز بود برداشتم و بعد از مدرسه به محسن تحویل دادم.»
دیری نگذشت که متهم که در پرونده خود چندین مورد تجاوزبه‌عنف و اخذی را داشت، دستگیر شد و پس از رویارویی با دختر دبیرستانی‌اب به سخن گشود و به نقشه‌های خود علیه ده‌ها دختر دبیرستانی اعتراف کرد.

دزدی میلیونی از مرد بی‌سواد

● **شرق:** فردی که با جعل امضا دست به سرقت میلیونی زده بود، دستگیر شد. سرهنگ دالوند، رئیس پلیس آگاهی استان لرستان ضمن اعلام این خبر افزود: شخصی بی‌سواد برای انجام امور اداری و واریز وچمنقد به حساب خودش به یکی از بانک‌های استان لرستان مراجعه کرد و برای تکمیل فرم واریز وجه نقد از شخصی دیگر در بانک کمک گرفت اما آن شخص با ترفند خاص با برداشت نمونه امضا و شناسنامه مرد بی‌سواد از بانک خارج شد و در فرصتی مناسب به حساب او دستبرد زد.

پریده اخبار

● **فردی که با سوءاستفاده از دسته‌چک مادرش اقدام به کلاهبرداری میلیاری کرده بود، در مشهد دستگیر و روانه زندان شد.**
● **سارقان اماکن خصوصی که با همکاری نگهبانان ساختمان‌ها اقدام به سرقت می‌کردند، توسط پلیس استان اصفهان دستگیر شدند.**
● **مأموران انتظامی استان قزوین سارق سیم و کابل‌های هوایی را که با لباس کار اداره برق اقدام به سرقت می‌کرد، دستگیر کردند.**